

اخلاق فردی

تدبّر و آینده نگری

مقدمه

اداره خداوند تبارک و تعالی بر امور عالم به معنای تنظیم اجزای آن با چنان استحکام و نظام خوبی است که هر کدام از این اجزا به سوی هدف یا غایتی که برای آن خلق شده اند حرکت کنند و این غایت آخرین مرحله کمالی است که برای آن شی خاص، امکان دست یابی به آن وجود دارد و با فرصتی که دارد به سوی آن سیر می کند. تدبیر کل عالم نیز عبارت است از جریان نظام عالم به سوی غایت خود که همان رجوع الی الله و ظهور عالم آخرت بعد از دنیا است.

در این میان عظمت انسان به حدی است که خدای تعالی تدبیر وجود او را به خودش سپرده است و راهی که به نام دین فرا روی او گشوده تا به تدبیر وجود خود برای رسیدن به کمال نهایی خویش پردازد.

با توجه به حدیث: «موتوا قبل أن تموتوا و حاسبوا قبل أن تُحاسبوا» تدبیر، اداره و آینده نگری کامل انسان بدین معناست که قبل از مرگ طبیعی که بطور قهری وابستگی او را به دنیا قطع می کند، با موت ارادی، وابستگی خود را از دنیا و غیرخدا قطع کند و با اعراض از دنیا و غیر خدا و نیز محاسبه خود پیش از روز قیامت، خود را از قبل برای آن آماده کند.

با توجه به مسئولیت سنگین اخلاقی که در این زمان متوجه دانش پژوهان است، امید آن است که ایشان با تدبیری هماهنگ با خواست خداوند تبارک و تعالی به ترتیب و تنظیم امکانات برای رسیدن به کمال اخلاقی خویش پردازند که «أَنْمَا بُعِثْتُ لَأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ».

در این واحد آموزشی موضوعات مورد بحث در باره تدبّر و آینده نگری عبارتند از: شناخت تدبّر و آینده نگری، آثار و نتایج آن، آگاهی و عمل.

انسان خردمند، قبل از انجام هر کاری جوانب و عاقبت و نتیجه آن را از هر جهت می‌سنجد، مقدمات، شرایط، موانع و لوازم آن را در نظر می‌گیرد، سپس تصمیم می‌گیرد و اقدام می‌کند. این کار که نشانه بصیرت و آینده نگری است «تدبّر» و «تدبیر» نامیده می‌شود و جلوی ضررها و پشیمانی‌های بعدی را می‌گیرد.

نتیجه این کار، آن است که شخص با طمأنینه و پرهیز از شتابزدگی به کار خود اقدام می‌کند. ممارست و تمرین بر این کار، ملکه اخلاقی خوبی در انسان پدید می‌آورد که در اثر آن به او حکیم و خردمند و دارای حزم و تدبیر گفته می‌شود. امام علی (ع) فرموده است: «لا عقل کالتدبیر» [۱]، هیچ عقلی همچون آینده نگری نیست.

این تدبیر، افزون بر عمل، شامل سخن هم می‌شود. اندیشه قبل از سخن و توجه به خوبی و بدی کلام و آثار و تبعات مثبت و منفی سخن نیز از جلوه‌های تدبیر است. به فرموده امام علی (ع) به فرزندش امام حسن مجتبی (ع): «انهاک عن التسرع بالقول و الفعل» [۲]. تو را از شتابزدگی در ردار و گفتار نهی می‌کنم.

مزن بی تأمل به گفتار دم نکو گو، اگر دیر گویی چه غم

در کلام دیگری از آن حضرت آمده است: «قدر ثم اقطع، و تفکر ثم انطق، و تبین ثم اعمل» [۳].

اندازه بگیر و سپس قطع کن، بیندیش آنگاه سخن بگو، تحقیق کن سپس عمل کن.

به این شیوه، «تروی» و «تأنی» و «تثبت» هم گفته می‌شود. به تعبیر آن حضرت: «التروی فی القول یؤمن الزلزل» [۴]. تأمل در سخن گفتن، از لغزش ایمن می‌گرداند.

همه روایات و توصیه‌ها به تأنی و ترک عجله نیز به همین فضیلت اخلاقی مربوط می‌شود. از پیامبر خدا (ص) نقل است که فرمود: «العجله من الشیطان و التأنی من الله» [۵]. عجله از شیطان است و تأنی از خدا است.

آثار و نتایج تدبّر

۱- ایمنی از ندامت. حرف‌ها و عمل‌های نسنجیده منتهی به پشیمانی می‌شود. تدبیر از آن جلوگیری می‌کند. در این زمینه به نمونه‌هایی از آیات و روایات اشاره می‌شود. قرآن دعوت به تبیین در سخنان فاسقین می‌کند، تا مبادا در اثر اقدام بدون تفحص

و تحقیق و عجلانه پشیمان شوند: « ان جاءكم فاسق بنبأ فتبينوا ان تصيبوا قوماً بجهالة فتصبحوا على ما فعلتم نادمين » [۶]. در سخنان امیرالمؤمنین است: « التدبیر قبل العمل، فانه يؤمنك الندم » [۷]. تدبیر و اندیشه قبل از عمل است، چرا که تو را از پشیمانی ننگه می دارد.

۲- ایمنی از لغزش. تدبیر و دوراندیشی و محاسبه همه جوانب کار سبب می شود انسان نلغزد، یا لغزش او کمتر شود. پیشتر سخن حضرت علی (ع) درباره اینکه «تروی» جلوی لغزش را می گیرد گذشت. امام علی (ع) می فرماید: « العجل یوجب العثار » [۸] و « العجول مخطی و ان ملک و المتأنی مصیب و ان هلک » [۹]، عجله موجب لغزش می شود. عجلول خطا می کند هرچند فرمانروا شود و متأنی به واقع می رسد هرچند هلاک شود.

۳- ایمنی از عذرخواهی. پوزش خواستن معمولاً در پی لغزش و خطاست. کسی که درست و سنجیده عمل کند و حرف بزند، نیازی هم به معذرت خواهی پیدا نخواهد کرد. در روایت، بسیار توصیه شده است که انسان از کارهایی که بعداً مجبور می شود از آن عذرخواهی کند بپرهیزد. یعنی با دقت و تدبیر قبلی، جلوی آن پوزش خواهی و مجبور شدن به اعتذار را بگیرد. تدبیر یکی از خواصش پیشگیری از همین اعتذار است. امام صادق (ع) فرموده است: « مؤمن سزاوار نیست که خود را ذلیل و خوار کند. راوی پرسید: چگونه خودش را خوار می سازد؟ فرمود: وارد کاری می شود که از آن معذرت خواهی می کند. » یدخل فیما یعتذر منه » [۱۰].

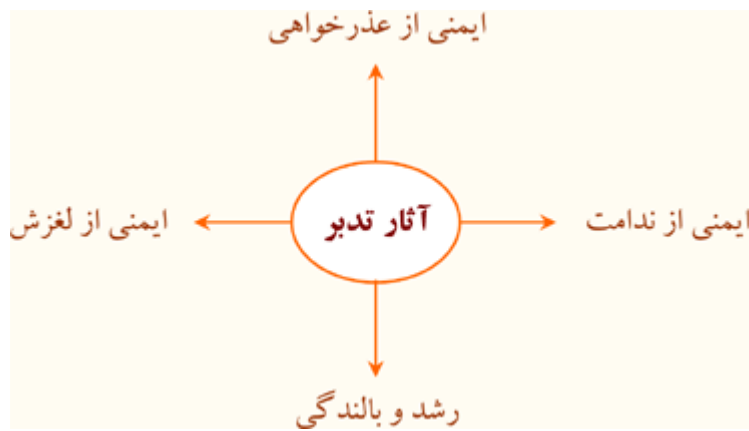
۴- رشد و بالندگی. تدبیر و تدبیر، سبب رشد و صلاح در امور معیشتی و اقتصادی می شود و بی تدبیری به فقر و نیاز می کشاند. محاسبه دخل و خرج و موازنه درآمد با هزینه های زندگی یکی از جلوه های تدبیر است.

چو دخلت نیست، خرج آهسته تر کن
که می گویند ملأحان سرودی

اگر باران به کوهستان نبارد
به سالی دجله گردد خشک رودی [۱۱]

امام علی (ع) فرموده است: « حسن التدبیر ینمی قلیل المال، و سوء التدبیر یفنی کثیره » [۱۲]. تدبیر شایسته، مال اندک را افزایش می دهد و بی تدبیری مال فراوان را نابود می کند.

با این حساب، اسراف و تبذیر را می توان نداشتن تدبیر و تدبیر در امور مالی دانست و قناعت را به نوعی تدبیر معاش دانست.



آگاهی، سپس عمل

از مجموع نکات یاد شده برمی آید که شناخت قبل از عمل ضروری و ایمن ساز و نگهدارنده از خطاست. و داشتن مجال و فرصتی برای ارزیابی صلاح و فساد عملی و حلال و حرام بودن کار، از عواقب ناپسند آن باز می دارد. توصیه ای که نسبت به توقف در برخورد با مشتهات شده، جلوه دیگر این تدبیر و تأنی است. مردی خدمت پیامبر خدا (ص) رسید و درخواست نصیحت کرد. حضرت فرمود: اگر توصیه ای کنم عمل می کنی؟ گفت: آری یا رسول الله. پیامبر سه بار جمله را تکرار کرد و از او قول گرفت که عمل کند. آنگاه فرمود: فانی اوصیک اذا انت هممت بامر فتدبر عاقبتہ، فان یک رشداً فامضه و ان یک غیاً فانتہ عنه» [۱۳]. تو را توصیه می کنم که هرگاه تصمیم بر کاری گرفتی در عاقبت آن تدبر کن، اگر رشد و صلاح بود، انجام بده و اگر گمراهی بود، از آن دست بکش.

هرکه در کارها شتاب کند خانه عقل را خراب می کند

گر نهال شتاب بنشانی ندهد میوه، جز پشیمانی [۱۴]

هرکه اول بنگرد پایان کار اندر آخر او نگردد شرمسار [۱۵]

- [۱] نهج البلاغه، صبحی صالحی، حکمت ۱۱۳.
- [۲] الحیة، ج ۱، ص ۳۰۵.
- [۳] غررالحکم، حدیث ۶۷۷۳.
- [۴] غررالحکم، حدیث ۱۳۱۱ (ج ۱ ص ۳۴۶).
- [۵] الجامع الصغیر، ج ۱ ص ۱۳۴.
- [۶] حجرات، آیه ۶.
- [۷] الحیاه، ج ۱ ص ۳۰۴.
- [۸] غررالحکم، حدیث ۴۳۲.
- [۹] همان، حدیث ۱۲۲۸.
- [۱۰] الحیاه، ج ۱ ص ۳۰۵.
- [۱۱] گلستان سعدی.
- [۱۲] غررالحکم، حدیث ۴۶۳۳.
- [۱۳] بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۳۹.
- [۱۴] چکیده انیشه ها، ج ۲ ص ۱۶۷.
- [۱۵] همان، ج ۱ ص ۱۹۷.

چکیده

- انسان خردمند، قبل از انجام هر کاری، جوانب، عواقب و نتیجه آن را از هر جهت می‌سنجد، که این کار «تدبّر» و «تدبیر» نامیده می‌شود.
- تدبّر، افزون بر عمل، شامل سخن هم می‌شود. اندیشیدن قبل از سخن و توجه به خوبی و بدی کلام و آثار و تبعات مثبت و منفی سخن نیز از جلوه‌های تدبّر است.
- ایمنی از ندامت، لغزش، عذر خواهی، و رشد و بالندگی نمونه‌هایی از آثار و نتایج تدبّرند.
- رسول اکرم (ص) می‌فرماید: هرگاه تصمیم بر کاری گرفتی در عاقبت آن تدبّر کن، اگر رشد و صلاح بود انجام بده و اگر گمراهی بود از آن دست بکش.

تدبّر و آینده نگری

مقدمه

اداره خداوند تبارک و تعالی بر امور عالم به معنای تنظیم اجزای آن با چنان استحکام و نظام خوبی است که هر کدام از این اجزا به سوی هدف یا غایتی که برای آن خلق شده اند حرکت کنند و این غایت آخرین مرحله کمالی است که برای آن شی خاص، امکان دست یابی به آن وجود دارد و با فرصتی که دارد به سوی آن سیر می کند. تدبیر کل عالم نیز عبارت است از جریان نظام عالم به سوی غایت خود که همان رجوع الی الله و ظهور عالم آخرت بعد از دنیا است.

در این میان عظمت انسان به حدی است که خدای تعالی تدبیر وجود او را به خودش سپرده است و راهی که به نام دین فرا روی او گشوده تا به تدبیر وجود خود برای رسیدن به کمال نهایی خویش بپردازد.

با توجه به حدیث: «موتوا قبل أن تموتوا و حاسبوا قبل أن تُحاسَبوا» تدبیر، اداره و آینده نگری کامل انسان بدین معناست که قبل از مرگ طبیعی که بطور قهری وابستگی او را به دنیا قطع می کند، با موت ارادی، وابستگی خود را از دنیا و غیرخدا قطع کند و با اعراض از دنیا و غیر خدا و نیز محاسبه خود پیش از روز قیامت، خود را از قبل برای آن آماده کند.

با توجه به مسئولیت سنگین اخلاقی که در این زمان متوجه دانش پژوهان است، امید آن است که ایشان با تدبیری هماهنگ با خواست خداوند تبارک و تعالی به ترتیب و تنظیم امکانات برای رسیدن به کمال اخلاقی خویش بپردازند که « اِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ ».

در این واحد آموزشی موضوعات مورد بحث در باره تدبّر و آینده نگری عبارتند از: شناخت تدبّر و آینده نگری، آثار و نتایج آن، آگاهی و عمل.

انسان خردمند، قبل از انجام هر کاری جوانب و عاقبت و نتیجه آن را از هر جهت می‌سنجد، مقدمات، شرایط، موانع و لوازم آن را در نظر می‌گیرد، سپس تصمیم می‌گیرد و اقدام می‌کند. این کار که نشانه بصیرت و آینده نگری است «تدبّر» و «تدبیر» نامیده می‌شود و جلوی ضررها و پشیمانی‌های بعدی را می‌گیرد.

نتیجه این کار، آن است که شخص با طمأنینه و پرهیز از شتابزدگی به کار خود اقدام می‌کند. ممارست و تمرین بر این کار، ملکه اخلاقی خوبی در انسان پدید می‌آورد که در اثر آن به او حکیم و خردمند و دارای حزم و تدبیر گفته می‌شود. امام علی (ع) فرموده است: «لا عقل کالتدبیر» [۱]، هیچ عقلی همچون آینده نگری نیست.

این تدبیر، افزون بر عمل، شامل سخن هم می‌شود. اندیشه قبل از سخن و توجه به خوبی و بدی کلام و آثار و تبعات مثبت و منفی سخن نیز از جلوه‌های تدبیر است. به فرموده امام علی (ع) به فرزندش امام حسن مجتبی (ع): «انهاک عن التسرع بالقول والفعل» [۲]. تو را از شتابزدگی در ردار و گفتار نهی می‌کنم.

مزن بی تأمل به گفتار دم نکو گو، اگر دیر گویی چه غم

در کلام دیگری از آن حضرت آمده است: «قدر ثم اقطع، و تفکر ثم انطق، و تبین ثم اعمل» [۳].

اندازه بگیر و سپس قطع کن، بیندیش آنگاه سخن بگو، تحقیق کن سپس عمل کن.

به این شیوه، «تروی» و «تأنی» و «تثبت» هم گفته می‌شود. به تعبیر آن حضرت: «التروی فی القول یؤمن الزلل» [۴]. تأمل در سخن گفتن، از لغزش ایمن می‌گرداند.

همه روایات و توصیه‌ها به تأنی و ترک عجله نیز به همین فضیلت اخلاقی مربوط می‌شود. از پیامبر خدا (ص) نقل است که فرمود: «العجله من الشیطان و التأنی من الله» [۵]. عجله از شیطان است و تأنی از خدا است.

آثار و نتایج تدبّر

۱- ایمنی از ندامت. حرف‌ها و عمل‌های نسنجیده منتهی به پشیمانی می‌شود. تدبیر از آن جلوگیری می‌کند. در این زمینه به نمونه‌هایی از آیات و روایات اشاره می‌شود. قرآن دعوت به تبیین در سخنان فاسقین می‌کند، تا مبادا در اثر اقدام بدون تفحص

و تحقیق و عجلانه پشیمان شوند: « ان جاءكم فاسق بنبأ فتبينوا ان تصيبوا قوماً بجهالة فتصبحوا على ما فعلتم نادمين » [۶]. در سخنان امیرالمؤمنین است: « التدبیر قبل العمل، فانه يؤمنك الندم » [۷]. تدبیر و اندیشه قبل از عمل است، چرا که تو را از پشیمانی ننگه می دارد.

۲- ایمنی از لغزش. تدبیر و دوراندیشی و محاسبه همه جوانب کار سبب می شود انسان نلغزد، یا لغزش او کمتر شود. پیشتر سخن حضرت علی (ع) درباره اینکه «تروی» جلوی لغزش را می گیرد گذشت. امام علی (ع) می فرماید: « العجل یوجب العثار » [۸] و « العجول مخطی و ان ملک و المتأنی مصیب و ان هلک » [۹]، عجله موجب لغزش می شود. عجلول خطا می کند هرچند فرمانروا شود و متأنی به واقع می رسد هرچند هلاک شود.

۳- ایمنی از عذرخواهی. پوزش خواستن معمولاً در پی لغزش و خطاست. کسی که درست و سنجیده عمل کند و حرف بزند، نیازی هم به معذرت خواهی پیدا نخواهد کرد. در روایت، بسیار توصیه شده است که انسان از کارهایی که بعداً مجبور می شود از آن عذرخواهی کند بپرهیزد. یعنی با دقت و تدبیر قبلی، جلوی آن پوزش خواهی و مجبور شدن به اعتذار را بگیرد. تدبیر یکی از خواصش پیشگیری از همین اعتذار است. امام صادق (ع) فرموده است: « مؤمن سزاوار نیست که خود را ذلیل و خوار کند. راوی پرسید: چگونه خودش را خوار می سازد؟ فرمود: وارد کاری می شود که از آن معذرت خواهی می کند. » یدخل فیما یعتذر منه » [۱۰].

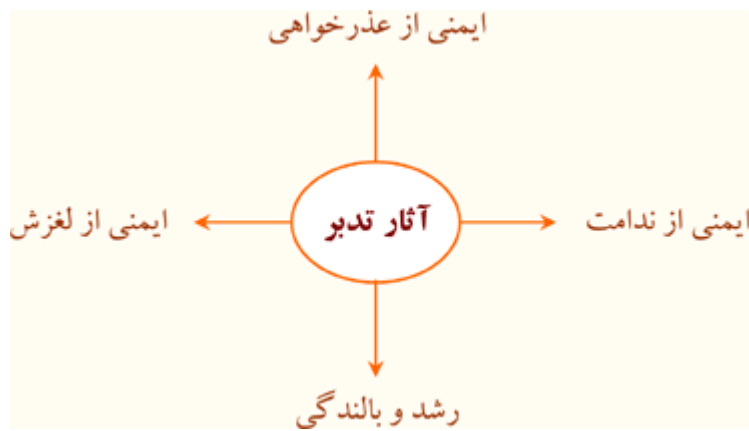
۴- رشد و بالندگی. تدبیر و تدبیر، سبب رشد و صلاح در امور معیشتی و اقتصادی می شود و بی تدبیری به فقر و نیاز می کشاند. محاسبه دخل و خرج و موازنه درآمد با هزینه های زندگی یکی از جلوه های تدبیر است.

چو دخلت نیست، خرج آهسته تر کن
که می گویند ملأحان سرودی

اگر باران به کوهستان نبارد
به سالی دجله گردد خشک رودی [۱۱]

امام علی (ع) فرموده است: « حسن التدبیر ینمی قلیل المال، و سوء التدبیر یفنی کثیره » [۱۲]. تدبیر شایسته، مال اندک را افزایش می دهد و بی تدبیری مال فراوان را نابود می کند.

با این حساب، اسراف و تبذیر را می توان نداشتن تدبیر و تدبیر در امور مالی دانست و قناعت را به نوعی تدبیر معاش دانست.



آگاهی، سپس عمل

از مجموع نکات یاد شده برمی آید که شناخت قبل از عمل ضروری و ایمن ساز و نگهدارنده از خطاست. و داشتن مجال و فرصتی برای ارزیابی صلاح و فساد عملی و حلال و حرام بودن کار، از عواقب ناپسند آن باز می دارد. توصیه ای که نسبت به توقف در برخورد با مشتهات شده، جلوه دیگر این تدبیر و تأنی است. مردی خدمت پیامبر خدا (ص) رسید و درخواست نصیحت کرد. حضرت فرمود: اگر توصیه ای کنم عمل می کنی؟ گفت: آری یا رسول الله. پیامبر سه بار جمله را تکرار کرد و از او قول گرفت که عمل کند. آنگاه فرمود: فانی اوصیک اذا انت هممت بامر فتدبر عاقبتہ، فان یک رشداً فامضه و ان یک غیاً فانتہ عنه» [۱۳]. تو را توصیه می کنم که هرگاه تصمیم بر کاری گرفتی در عاقبت آن تدبر کن، اگر رشد و صلاح بود، انجام بده و اگر گمراهی بود، از آن دست بکش.

هرکه در کارها شتاب کند خانه عقل را خراب می کند

گر نهال شتاب بنشانی ندهد میوه، جز پشیمانی [۱۴]

هرکه اول بنگرد پایان کار اندر آخر او نگردد شرمسار [۱۵]

- [۱] نهج البلاغه، صبحی صالحی، حکمت ۱۱۳.
- [۲] الحیة، ج ۱، ص ۳۰۵.
- [۳] غررالحکم، حدیث ۶۷۷۳.
- [۴] غررالحکم، حدیث ۱۳۱۱ (ج ۱ ص ۳۴۶).
- [۵] الجامع الصغیر، ج ۱ ص ۱۳۴.
- [۶] حجرات، آیه ۶.
- [۷] الحیاه، ج ۱ ص ۳۰۴.
- [۸] غررالحکم، حدیث ۴۳۲.
- [۹] همان، حدیث ۱۲۲۸.
- [۱۰] الحیاه، ج ۱ ص ۳۰۵.
- [۱۱] گلستان سعدی.
- [۱۲] غررالحکم، حدیث ۴۶۳۳.
- [۱۳] بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۳۹.
- [۱۴] چکیده انیشه ها، ج ۲ ص ۱۶۷.
- [۱۵] همان، ج ۱ ص ۱۹۷.

چکیده

- انسان خردمند، قبل از انجام هر کاری، جوانب، عواقب و نتیجه آن را از هر جهت می‌سنجد، که این کار «تدبّر» و «تدبیر» نامیده می‌شود.
- تدبّر، افزون بر عمل، شامل سخن هم می‌شود. اندیشیدن قبل از سخن و توجه به خوبی و بدی کلام و آثار و تبعات مثبت و منفی سخن نیز از جلوه‌های تدبّر است.
- ایمنی از ندامت، لغزش، عذر خواهی، و رشد و بالندگی نمونه‌هایی از آثار و نتایج تدبّرند.
- رسول اکرم (ص) می‌فرماید: هرگاه تصمیم بر کاری گرفتی در عاقبت آن تدبّر کن، اگر رشد و صلاح بود انجام بده و اگر گمراهی بود از آن دست بکش.

حیا

مقدمه

جهان بینی های مختلف نظام های مختلف اخلاقی را پدید می آورد؛ جهان بینی دنیوی، اخلاقی را پدید می آورد که هدف آن حداکثر بهره مندی از لذائد دنیوی است و در جهان بینی اخروی انسان ملکات خود را طوری شکل می دهد که بتواند حداکثر لذت را از نعمت های جاودان بهشتی ببرد. در جهان بینی الهی، هدف اصلی انسان تحقق و به فعلیت در آوردن تمام اسماء و کمالات الهی در وجود خود و نیل به رضوان الهی است.

در این میان ریشه نظام اخلاقی مبتنی بر حیا محوری در عزت نفس یا کرامت ذاتی انسان می باشد؛ بدین ترتیب که انسان با نظر به نفس خود متوجه می شود که این گوهر ارزنده تر از آن است که به گناه آلوده شود و پاداشی جز نعیم ابدی و رضوان الهی به دست آورد، و این همان شرم و حیاست.

نمونه بارز فعلیت عزت نفس یا کرامت ذاتی انسان را می توان در روز عاشورا و در این کلام امام حسین(ع) مشاهده کرد که در ترجیح کشته شدن یا تسلیم به دشمن با شعار « هیئات منا الذّله » مرگ با عزت را بر زندگی با ذلت ترجیح می دهد و مورد این خطاب الهی قرار می گیرد که: « یا ایتهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارجعی الی ربکِ راضیةً مرضیةً فادخُلی فی عبادی و ادخُلی جنتی. »

پژوهندگان اخلاق باید با توجه به کرامت ذاتی و عزت نفس خدا دادی که از آن برخوردارند، یک نظام اخلاقی مبتنی بر حیا محوری را در خود پدید آورند.

در این واحد درسی با این مفاهیم آشنا می شویم: چیستی حیا، حیا عامل باز دارنده از گناه، حیای عقل و حیای حمق و حیا از چه کسی؟

حیاء

حیا و شرم یکی از صفات درونی انسان است. ملکه ای است که با وجود آن، نفس آدمی از کارهای زشت بازداشته می شود و به خاطر ترس از مذمت مردم، انقباض روحی برای او حاصل می گردد. [۱] و همین حالت، نقش بازدارنده از کارهای ناپسند را دارد. وقتی فطرت انسان سالم باشد و تربیت صحیح شده باشد، به طور معمول از آنچه زشت است (چه گفتار، چه کردار و چه دیدن یا شنیدن حرف ها و عملهای ناپسند دیگران) خجالت می کشد و نسبت به آن موضع می گیرد.

حیا یکی از ریشه ها و اصول اخلاق اسلامی شمرده شده است و بدون آن، زمینه برای بسیاری از خصلت های ناپسند و عمل های خلاف فراهم می آید. پیامبر خدا (ص) فرموده است: «ان لكل دين خلقاً و ان خلق الإسلام الحياء» [۲]. هر آیینی اخلاقی دارد و خلق و خوی اسلام، حیاست، اشاره به نقش کلیدی آن در ساختار اخلاق فردی و اجتماعی دارد. امیرالمؤمنین هم سبب و ریشه اصلی عفاف و پاکدامنی را حیا می داند «سبب العفه الحياء» [۳] و «علی قدر الحياء تكون العفه».

اگر بتوان در جامعه و در خصلت مردم «حیاء» را زنده کرد تا ترک گناه و فساد بر اساس شرم و حیا باشد، نه ترس و طمع، بهتر است و دوام نیکی ها بیشتر خواهد بود. یعنی نظام اخلاقی مبتنی بر «حیا محوری»، نه ترس محوری یا طمع محوری. در کیمیای سعادت در بحث تأدیب و تربیت فرزند از جمله گوید: «و چون چنان شود که از بعضی چیزها شرم دارد، این بشارتی بود و دلیل آن بود که هرکه نور عقل بر او افتد، از شرم شحنه ای سازد که وی را بر هرچه زشت باشد تشویر دهد» [۴]. که اشاره ای به نقش کنترل و بازدارندگی درونی شرم از بدی هاست.

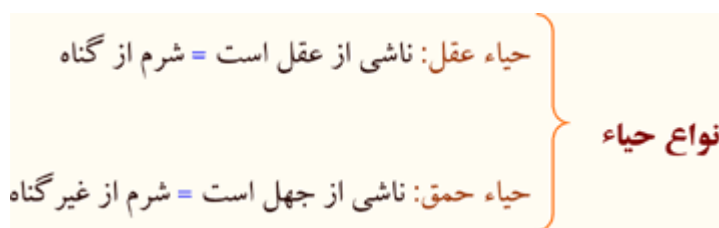
حیاء عامل بازدارنده از گناه

حیا هم به دلیل آنکه نشان از بیداری فطرت و وجدان است، هم زنده بودن عقل و خرد را می رساند، هم احساس حضور یک «ناظر محترم» در هر لحظه و صحنه است، هم ایمان و اعتقاد به خدا و علم و مؤاخذه و کیفر او را می رساند. در مجموع یکی از قوی ترین عوامل جلوگیری از گناه است. امام علی (ع) فرموده است: «الحیاء یصد عن فعل القبیح» [۵]. حیا انسان را از کار زشت باز می دارد. نیز در سخنی دیگر می فرماید: «ان المؤمن یستحیی اذا مضی له عمل فی غیر ما عقد علیه ایمانه» [۶]. مؤمن حیا می کند، هرگاه از او کار سر بزند که برخلاف ایمان اوست.

اگر حیا نباشد هیچ دیوار و سد و مانعی جلودار ارتکاب گناهان و زشتی‌ها و جرائم نیست، به همین سبب حضرت رسول (ص) فرموده است: «لم یبق من امثال الأنبياء الا قول الناس: اذا لم تستح فاصنع ما شئت» [۷]. از مثل‌های پیامبران باقی‌نمانده است مگر این سخن مردم که می‌گویند: اگر حیا نداشته باشی پس هرچه می‌خواهی بکن.

حیای عقل و حیای حمق

در روایات، از یک نگاه حیا و شرم به دو بخش تقسیم شده است: حیای عقل و حیای حمق. حیای نشأت‌گرفته از عقل، همان شرم از بدی‌ها و گناهان و ارتکاب رذایل است، مثل حیا از معصیت، حیا از سفاهت، که خوب است و مطلوب، اما حیای حمق، خجالت بی‌دلیل و منطقی و شرم بی‌مورد است که انسان را از رشد علمی و زدودن جهل بازمی‌دارد. مثلاً کسی که نمی‌داند و از پرسیدن خجالت می‌کشد، این حیای احمقانه است. کسی که از گفتن حق خجالت می‌کشد، یا از مطالبه حق خود خجالت می‌کشد، حیای حمق است و چنین خجالتی انسان را عقب‌نگه می‌دارد. امام علی (ع) فرموده است: «الحياء يمنع الرزق» [۸]، یا «قرن الحياء بالحرمان» [۹]، حیا مانع رزق است، حیا همراه محرومیت است. انسان‌های خجالتی در اجتماع و کسب و کار هم عقب می‌مانند، حتی در علم و دانش هم ضعیف می‌شوند و این سخن امام صادق (ع) است که: «من رق وجهه رق علمه» [۱۰]. کسی که کم‌رو باشد، دانش او هم ضعیف خواهد بود. پیامبر خدا (ص) فرموده است: «الحياء حياءان: حياء عقل و حياء حمق ...» [۱۱]



حیا از چه کسی؟

حیا حالتی است که انسان در برابر دیگران دارد و اگر دیگری وجود نداشته باشد که موقعیت او یا ملامت و مذمت و کیفر او در کار باشد، جایی برای حیا نیست. اما از چه کسی باید خجالت کشید؟ در احادیث، مواردی چند برای حیا بیان شده است و در هر مورد هم احادیث فراوانی است که به چند نمونه اشاره می‌شود:

۱- حیا از خدا. خداوند هم ولی نعمت ماست، هم آگاه به کارهای نیک و بد ما، و هم پاداش و کیفر به دست اوست. ایمان به

خدا اقتضا دارد که انسان او را پیوسته عالم و حاضر و ناظر ببیند و معصیت نکند. به چند حدیث در این مورد توجه کنید:

امام علی (ع): « افضل الحیاء استحاؤک من الله » [۱۲]. برترین حیا شرم از خداست.

امام سجاد (ع): « خف الله تعالی لقدرته یملک و استحی منه لقربه منک » [۱۳]. از خدا بترس چون بر تو قدرت دارد و از او حیا کن چون به تو نزدیک است.

پیامبر خدا (ص): « استحی من الله استحاؤک من صالحی جیرانک ... » [۱۴]. از خدا خجالت بکش آنگونه که از همسایگان خویشت شرم داری.

امام صادق (ع): « عملت ان الله مطلع علی فاستحییت » [۱۵]. دانستم که خدا بر من آگاه است پس حیا کردم.

۲- حیا از خود. کسی که برای خودش حرمت و کرامتی قائل باشد، از خودش هم خجالت می کشد و مرتکب گناه نمی شود، چون خود انسان هم ناظر بر اعمال خود است و نفس لوامه و وجدان اخلاقی او آگاه است و فعال. در این مورد هم به چند حدیث اشاره می کنیم:

امام علی (ع): « احسن الحیاء استحیاءک من نفسک » [۱۶]. بهترین حیا، حیا از خویشتن است.

امام علی (ع): « حیاء الرجل من نفسه ثمره الایمان » [۱۷]. شرم انسان از خودش، ثمره ایمان است.

امام علی (ع): « من استحی من الناس و لم یستحی من نفسه، فلیس لنفسه عند نفسه قدر » [۱۸]. کسی که از مردم خجالت بکشد ولی از خودش شرم نکند، پس خودش نزد خودش قدر و ارزشی ندارد.

۳- حیا از پیامبر خدا. ما امت و پیروان حضرت محمد (ص) و معتقد به دین اویم. طبق روایات متعدد، اعمال ما هر هفته بر او عرضه می شود. گنهکار باید شرم کند که پرونده ای سیاه و پرگناه از او به پیامبر ارائه شود. شرم از رسول خدا (ص) نیز عامل بازدارنده از گناه است. قرآن می فرماید: بگو عمل کنید، بزودی خدا و رسول او و مؤمنان عمل شما را خواهند دید. [۱۹] این آیه چه مربوط به آخرت و قیامت باشد چه دنیا، به هر حال شرم حضور از دیدن پیامبر و خدا و اهل ایمان، نقش بازدارنده دارد. عرضه اعمال ما هم بر پیامبر خدا صورت می گیرد و هم بر ائمه معصومین. بویژه امام زمان (ع) که امام زنده ماست. پیامبر خدا (ص) فرموده است: « فان اعمالکم تعرض علی کل یوم » [۲۰]. کارهای شما هر روز بر من عرضه می شود. نیز امام رضا (ع) فرمود: « ان الاعمال تعرض علی رسول الله ابرارها و فجارها » [۲۱]. کارهای نیک و بد، (یا کار نیکوکاران و فاجران) بر رسول خدا عرضه می شود. در حدیث دیگری حضرت صادق (ع) همین مضمون را بیان کرده و اضافه فرموده است: « فاحذروا،

فلیستحی احدکم ان یعرض علی نبیه العمل القبیح « [۲۲] . برحذر باشید و هر یک از شما شرم کند که کار زشت بر پیامبرش عرضه کند. در حدیثی از امام صادق (ع) است که : هرگاه فرشتگان خدا بخواهند عملی را به پیشگاه خدا بالا ببرند، ابتدا آن را بر حضرت صاحب الزمان (ع) عرضه می دارند، سپس به یکایک ائمه تا برسد به آنکه به پیامبر خدا (ص) عرضه شود، سپس بر خدا عرضه می شود. [۲۳]

۴- حیا از فرشتگان. خداوند فرشتگانی را به عنوان رقیب و عنید، بر انسان گماشته که نیک و بد او را می بینند و می دانند و ثبت می کنند. از این فرشتگان موکل هم باید خجالت کشید. امام صادق (ع) فرموده است: « واعلم ان معک ملکاً کریماً موکلاً بک یحفظ علیک ما تفعل و یطلع علی سرک الذی تخفیة من الناس، فستحی » [۲۴] . بدان که همراه تو فرشته ارجمندی است که بر تو گماشته شده و کارهایت را ثبت می کند و بر آنچه نهانی انجام می دهی و از مردم می پوشانی آگاه است، پس شرم کن. در حدیثی از امام صادق (ع) اینگونه به نظارت و علم فرشتگان بر عمل انسان اشاره می کند: هرکس در خلوت، زمینۀ گناهی برایش فراهم شود ولی خدا را مراقب خویش بداند و از گماشتگان الهی حیا کند، خداوند همه گناهان او را می آمرزد، هرچند به اندازه گناه جنّ و انس باشد [۲۵] .

پیامبر خدا (ص) فرموده است: « لیستح احدکم من ملکیه اللذین معه ... » [۲۶] . هرکدام از شما از دو فرشته ای که همراه اوست خجالت بکشد.



۵- حیا از مردم. هرکس برای آبروی خود قیمت و احترام قائل است. از این رو می‌کوشد تا نزد مردم محترم و عزیز باشد و پیش روی آنان از هر کاری که زشت و ناپسند می‌شمارند پرهیز می‌کند. حیا از مردم برای حفظ آبرو و یا کسب آبروست. کسی که از مردم شرم نکند؛ هم به آنان بی‌احترامی کرده است، هم به خودش. یعنی راضی به رسوایی و بدنامی و بدگویی از طرف دیگران شده است. امام علی (ع) فرموده است: «ایاک و فعل القبیح، فانه یقبح ذکرک و یكثر وزرک» [۲۷]. از کار زشت پرهیز، که هم تو را بدنام می‌کند، هم گناه تو را می‌افزاید.

در احادیث است: از هر کاری که در حضور دیگران از انجام آن شرم داری، مبدا که در خلوت انجام دهی. این همان شرم از مردم برای حفظ آبروست. اگر انسان به همان اندازه که از مردم خجالت می‌کشد، از خدای عالم حاضر ناظر خجالت می‌کشید و او را ناظر بر خویش می‌دید، هرگز مرتکب گناه نمی‌شد.

گاهی از حضور یک حضور یک کودک در محلی، انسان خجالت می‌کشد و مرتکب زشتی نمی‌شود، آیا در خلوت های ما، خدا به اندازه آن کودک هم حضور دارد؟ در حالی که قرآن می‌فرماید: «الم یعلم بان الله یری» [۲۸]. آیا ندانست که خدا می‌بیند؟

[۱] مجمع البحرین، واژه حیا.

[۲] سنن ابن ماجه، ج ۲ ص ۱۳۹۹.

[۳] غررالحکم، حدیث ۵۵۲۷ و ۶۱۸۱.

[۴] برگزیده متون ادب فارسی، ص ۸۱.

[۵] غررالحکم، حدیث ۱۳۹۳.

[۶] همان، حدیث ۳۴۶۳.

[۷] عیون اخبار الرضا، ج ۲ ص ۵۶.

[۸] غررالحکم، حدیث ۲۷۴.

[۹] همان، حدیث ۶۷۱۴.

[۱۰] اصول کافی، ج ۲ ص ۱۰۶.

[۱۱] بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۴۹.

[۱۲] غررالحکم، حدیث ۳۱۱۲.

[۱۳] بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۰۶.

[۱۴] همان، ص ۲۰۰.

[۱۵] بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۲۸.

[۱۶] غررالحکم، حدیث ۳۱۱۴.

[۱۷] همان، حدیث ۴۹۴۴.

[۱۸] شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲۰ ص ۳۳۸.

[۱۹] توبه، آیه ۱۰۵.

[۲۰] من لایحضره الفقیه، ج ۱ ص ۱۹۱.

- [۲۱] کافی، ج ۱ ص ۲۲۰.
- [۲۲] بحار الأنوار، ج ۱۷، ص ۱۴۹.
- [۲۳] الغیبه، شیخ طوسی، ص ۳۸۷.
- [۲۴] بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۱۸۴.
- [۲۵] من لا یحضره الفقیه، ج ۴ ص ۴۱۱.
- [۲۶] کنز العمال، حدیث ۵۷۵۱.
- [۲۷] غرر الحکم، حدیث ۲۶۳۱.
- [۲۸] علق، آیه ۱۴.

چکیده

- حیا و شرم ملکه ای است که با وجود آن، نفس آدمی از کارهای زشت بیزار، و به خاطر ترس از مذمت مردم، دچار انقباض روحی می شود.
- نظام اخلاقی مبتنی بر «حیا محوری» بهتر از نظام اخلاقی مبتنی بر ترس محوری یا طمع محوری است.
- حیا به خاطر بیداری فطرت، زنده بودن عقل، احساس حضور ناظر محترم، و نیز به خاطر ایمان به خدا و علم به مؤاخذة او یکی از قوی ترین عوامل جلوگیری از گناه است.
- حیای نشأت گرفته از عقل عبارت است از: شرم از بدی ها و ارتکاب رذائل.
- حیای حقم، شرم بی مورد است که انسان را از رشد علمی باز می دارد.
- در احادیث حیای از خدا، خود، پیامبر(ص)، فرشتگان و مردم به عنوان مواردی از حیا بیان شده است.